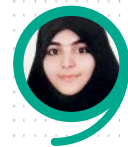




ضمیمه نوجوان

شماره ۵۱ ■ ۱۹ فروردین ۱۴۰۰

نوجوانان



عطیه ضربابی



امیرحسین
علی نیافر



با تشکر از
امین محمد
احدی

بررسی برنامه های تلویزیونی نوجوانان در ایام نوروز

تعلق می گیرد به...

تندیس اخلاق با افتخار تقدیم می شود به فیلم یدو



مهدی جعفری با ساختن بیست و سه نفر هم قبلا نشان داده بود دلش برای تولید فیلم های خوب برای قشر نوجوان می تپد اما یدو نه تنها کلی جایزه در جشنواره فیلم فجر کسب کرد و عنوان بهترین فیلم جشنواره را به دست آورد بلکه وقتی با تصمیم تهیه کننده و البته پشتیبان اصلی فیلم یعنی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، قبل از اکران در سینماها به همه مردم ایران پیشکش شد و در ایام عید از دو شبکه اول و سوم سیما پخش شد، شایسته دریافت تندیس اخلاق هم شد. البته نه فقط از طرف نوجوانان چون مطمئنیم شما هم یک دمت گرم از ته دل و یک خدا خیرتان بدهد از عمق وجود نثارشان کردید. راستی یادتان که هست در شماره ۴۸ با میلاد صویلاوی، بازیگر اصلی آن مصاحبه کردیم و این روزها هم خبرداریم که مشغول بازی در یک فیلم جدید است.

تقدیر به پاس یک عمر تلاش بی وقفه از محمد ابوالحسنی

دیرین دیرین شاید زمانی برای بچه های دهه شصتی یادآور موسیقی کارتون پلنگ صورتی بود اما چند سالی است که همه را یاد انیمیشن های کوتاه طنز، جذاب و اثرگذاری می اندازد که به تهیه کنندگی محمد ابوالحسنی و کارگردانی و تصویرگری علی

ما
مگر چه مان است که
نتوانیم جشنواره خودمان را
برگزار کنیم؟!



خلاقیت این برنامه اجرای متفاوت آن بود که هر بار در یک فضای جدید انجام می شد. دم نیمه دلاوری، مجری جوان و پرشور دایره رنگی و بقیه عوامل تولید هم گرم.

جایزه بهترین مجموعه از نگاه ملی، تعلق می گیرد به «گاندو۲»



بعید می دانم جزو بینندگان و بلکه طرفداران پرو پا قرص این سریال نباشید؛ کاری که از شبکه سه در ایام عید پخش شد به کارگردانی جواد افشار، البته در کمال ناباوری نیمه کاره رها شد و برای تماشای بقیه اش باید تا بعد از انتخابات صبر کنیم.

اما گاندو روایتی است واقعی به قلم آرش قادری از جاسوسی هایی که در کشورمان صورت گرفته و حتی پایش تا بالاترین سطوح و ماجرای بزرگ مثل مذاکرات برجام هم کشیده شده است. نمی دانم چند بار برای جوان هایی مثل محمد (نقش اول سریال با بازی وحید رهبانی) کف زده اید یا نگران حالشان شده اید ولی باید یادمان باشد که از این دست آدم ها در کشورمان کم نیستند. کسانی که امنیت مان را مدیونشان هستیم.



همه ما می دانیم کار فرهنگی از حساس ترین فعالیت هاست اما آدم هایی هستند که بلدند چطوری نبض این کار را به دست بگیرند. گرچه دنیایی رحم شده و مثال بارز «گلچین روزگار عجب خوش سلیقه است» سفر ناگهانی محمد ابوالحسنی، آن هم بر اثر بیماری نامرد کروناست، امیدواریم در نبود ایشان هم این اثر ادامه پیدا کند تا لافاقل برخی از مسؤولان سیاسی و فرهنگی و... راحت دروغ نگویند، راحت یک گوشه نشینند و راحت مردم را فراموش نکنند.

دیپلم افتخار خلاقیت هم تعلق می گیرد به «دایره رنگی»

مشتري شبکه خودت یعنی شبکه امید هستی یا نه نمی دانیم ولی انصافا در ایام عید چند کار خوب در این شبکه روی آنتن رفت، ورزشکارها و ورزش دوست ها و ورزش ساز که البته نداریم ولی خلاصه آنهایی که در کنار گیم و خواب و فیلم دیدن و تفریح و خدای نا کرده مطالعه، اهل ورزش هم هستند حتما با دیدن قهرمان های ملی و پیشکسوتان ورزشی در برنامه دایره رنگی، کلی کیف کرده اند. در هر قسمت از این برنامه، سراغ یکی از ورزشکارهای راه یافته به المپیک می رفت و از تجربه شان می پرسید.

گفت وگو با اسماعیل حلالی از مربیان برنامه ستاره ساز

انگار کسی به تربیت بازیکن اعتقاد ندارد

از ستاره ساز بگویند که از کجا و با چه هدفی شروع شد؟

برنامه ستاره ساز با ایده استعدادیابی و کشف بچه های علاقه مند و مستعد برای بچه هایی که در لیگ حرفه ای بازی نمی کنند و برای یادگیری و دیده شدن در فوتبال ساخته شد. خب به من هم پیشنهاد شد جزو مربیان باشم و وقتی کلمه استعدادیابی به گوشم خورد، به یاد رسالتم افتادم و برای این که تمام تجربه هایم را با نوجوان های این نسل به اشتراک بگذارم، قبول کردم. الان هم تمام تلاشم را می کنم این اتفاق بیفتد. ولی خب به نظرم ضعف هایی در این برنامه وجود دارد. مثلا به دلیل فرصت کوتاهی که در اختیار این برنامه بوده شرایط استعدادیابی از کل شهرهای کشور امکان پذیر نبود یا خیلی از باشگاه ها بازیکنان شان را در اختیار ستاره ساز قرار ندادند.

در فصل اول به هدفتان رسیدید؟ از برگزیدگان آن دوره چه خبر؟

طبیعتا برنامه در تولید سال اول و دوم شاید به آن هدف اصلی خود نرسد اما همچنان سعی در حفظ رسالتش داریم. اکثر بازیکن هایی که ما در فصل اول پرورش دادیم، الان در لیگ داخلی و سطح نوجوانان در حال بازی هستند. خوشبختانه بچه های با استعداد و با کیفیتی هم بودند. خود من دو نفر را به تیم های سایپا و پیکان فرستادم. الان هم که سری دوم این برنامه در حال برگزاری است و امیدوارم بچه هایی که استحقاق رسیدن به تیم های خوب را دارند، این اتفاق برایشان به سرعت بیفتد و ما هم هر کمکی از دستان بر بیاید دریغ نمی کنیم.

کیفیت برنامه نسبت به فصل اول، بیشتر شده یا نه؟

یک سری از ضعف های آن برطرف شده اما خب وقتی هر کاری شروع می شود، ضعف هایش نمایان می شود. ولی امیدوارم مرحله به مرحله سعی کنند این ضعف ها را رفع کنند. اما بیشترین مشکل را در گزینش نوجوان ها می دانم. فکر می کنم سری قبل بچه های با کیفیت تری حضور داشتند. گرچه باید اعتراف کنیم شیوع کرونا خیلی روی آن تأثیر داشت.

به نظرتان پرچامیه ترین داور ستاره ساز کیست؟

لابد فکر می کنید می گویم آقا فیروز کریمی. اما واقعیت این است که با شخصیتی که ایشان دارد، پرچامیه نیست. شاید شما از دور این برنامه را می بینید و این طور فکر می کنید؛ چون بالاخره ما با یک

اسطوره فوتبالی شما در دوران نوجوانی چه کسی بود؟

در تبریز اسطوره من امیر داداش ضیایی بود که بدون شک جزو ستاره های تکرار نشدنی ماشین سازی و فوتبال تبریز به حساب می آید. خب من، هم پستی ایشان بودم. ولی در میان بازیکنان ملی مجتبی محرمی و ناصر محمد خانی را خیلی دوست داشتم. اگر هم فوتبالیست های خارجی را بخواهید مثل خیلی ها عاشق بازی رونالدو بزیلی و زین الدین زیدان بودم. بعدها از وین رونی هم خوشم آمد؛ چون یک بازیکن همه کاره در زمین بود. هم محکم بازی می کرد و هم تکنیکی و فنی بود، شوت های خوبی داشت و در عین حال سرزن خوبی هم بود. خلاصه همه فن حریف بود.

در زمان شما واژه ای به عنوان استعدادیابی وجود داشت؟ مثلا خودتان

چطور کشف شدید؟

خب آن زمان مثل حالا نبود که مدارس فوتبال باشد و مسابقات مختلف و امثال آن. خود من فوتبالم را از بچگی با تمرین مداوم شروع کردم و در تمام رده های سنی سابقه بازی دارم. از نوجوانان ماشین سازی و بعد جوانان تبریز و امید به همین صورت تمام رده های سنی را پله پله بالا آمدم. گرچه برخی یکپو مطرح می شدند ولی غالبا حضور یک مربی خوب در زندگی فوتبالیست ها باعث می شد کشف بشوند. در مورد من اصغر صباحی که مربی آن زمان ماشین سازی بود، خیلی کمک کرد و واقعا بنده را ایشان کشف کردند.

نکته؛ قطعا قرار گرفتن آدم های خاص سراهمان در مسیر زندگی است که می تواند ما را دچار تغییرات بزرگ و رشد و پیشرفت اساسی کند. بد نیست سری بزنید به قصه مصطفی دیوونه در صفحه ۸.

